

مناصب نشو و در همان سنگر علم، محراب و هدایت دینی مردم بمان.» لذا نصیحت ایشان را به جان خریدم و از پذیرش مناصب دولتی اجتناب کردم.

- بخش هشتم: ارتحال آیت‌الله بروجردی و مواضع انقلابی آیت‌الله اراکی**

- ارتحال آیت‌الله بروجردی: در سال ۱۳۴۰ با ارتحال زعیم حوزه، شهر و بازار خوانسار یکبارچه تعطیل و سیاه‌پوش شد. در آن روزگار که امکانات سرمایشی مدرن نبود، اطعام هزاران عزادار با چه اخلاص، طهارت و زحمتی انجام می‌گرفت.

- آیت‌الله‌العظمی اراکی: ایشان ارادت و پیوند بسیار وثیقی با حضرت امام خمینی و آیت‌الله کاشانی داشتند و در تمام مراحل نهضت، قاطعانه و شجاعانه از مواضع انقلابی امام حمایت می‌کردند.

- بخش نهم: آسیب‌شناسی عزاداری‌ها، لزوم اخلاص و حکایت بهلول**

• دیدگاه حضرت‌عالی پیرامون سبک‌های عزاداری و حفظ‌وزانت مجالس حسینی چیست؟ حفظ وقار و اخلاص در دستگاه اهل‌بیت یک اصل حیاتی است. متأسفانه برخی افراد ناآگاه، رفتارهای غلوآمیز و غیرعرفی نظیر طلمه‌زدن‌های غیرعادی و صدا‌های غیرمتعارف انجام می‌دهند که موجب وهن مذهب است.

روزی در پاسخ به گایله‌ها، حکایتی از بهلول گفتم: «به بهلول گفتند: فلانی هنگام شنیدن تلاوت قرآن چنان از خود بی خود می‌شود که غش کرده و بر زمین می‌افتد! بهلول گفت: او را بر له دیواری بلند بنشانید تا قرآن بخواند؛ اگر آنجا هم غش کرد و پایین افتاد، در ادعایش صادق است؛ وگرنه بدانید دکان داری و مردم‌فریبی است!»

امیرالمؤمنین علی فرمودند: «أَفْضَلُ الرُّعْدِ إِخْفَاءُ الرُّعْدِ». البته تفاوت نماز و دستگاه امام حسین – همان‌گونه که به خطیب گرامی حاج شیخ حسین انصاریان گفتم- این است که نماز با اندکی ریا باطل می‌شود؛ اما سفره ابا عبدالله چنان وسیع است که حتی اگر گنه‌کاری با ذره‌ای اخلاص و اشک وارد این کشتی نجات شود، از هلاکت رهایی می‌یابد.

- بخش دهم: دفاع از مظلومیت حضرت زهرا و ولایت امیرالمؤمنین**

- توطئه‌های ابلیس علیه‌علما: شیطان تمرکز خود را بر انحراف اهل علم نهاده است؛ زیر دزد کارکشته به انبار کاه دستبرد نمی‌زند؛ بلکه به سراغ خزانه گوه‌رهای مرد!

- برهان قرآنی بر مظلومیت حضرت صدیقه طاهره: طبق آیه ۵۷ سوره احزاب: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرُسُلَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ و حدیث قطعی «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أْذَاهَا فَقَدْ أَذَانِي». آزار و خشکستن دل حضرت زهرا صراحتاً موجب لعن و طرد الهی در هر دو جهان است.

- درس اخلاص در ماجرای قنبر: قنبر همه چیز را فدای ولایت کرد و تنها شرط خدمت‌گزاری‌اش شفاعت مولا در قیامت بود؛ این است حقیقت محبت اهل‌بیت .

از اینکه با سه صدر این ناگفته‌های نفیس تاریخی، علمی و اخلاقی را در اختیار ما و حوزوویان گذاشتید، بی‌نهایت سپاسگزاریم.

- من هم از مساعی شما در هفته‌نامه افق حوزه سپاسگزارم. اگر قصوری ناشی از کجولت سن بود، عفو بفرمایید. خداوند همه ما را در صیانت از مکتب تشیع و پیروی از راه سلف صالح ثابت‌قدم بدارد.**

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی

- پی‌نوشت‌ها**

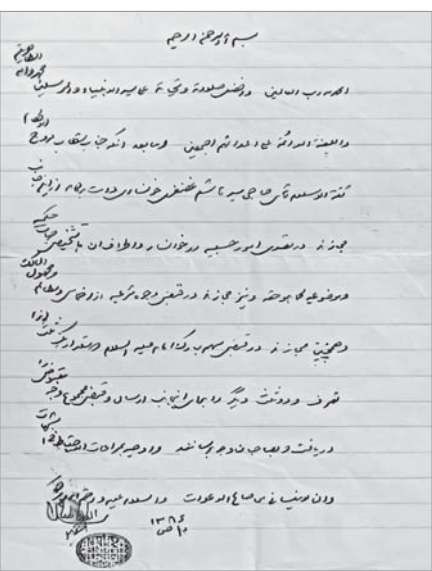
۱. سید محمدتقی غضنفری خوانساری (۱۳۵۰ – ۱۲۶۴ خورشیدی) از بزرگان و علمای برجسته و صاحب‌نام حوزه علمیه قم و از پیشگامان برپایی نماز جمعه در دوران معاصر بود. او در سال ۱۳۳۳ قمری (۱۲۶۴ شمسی) در خوانسار در خانواده‌ای اهل علم متولد شد؛ پدرش، سیدهاشم موسوی خوانساری، از مجتهدین عصر خود بود. آیت‌الله غضنفری تحصیلات مقدّماتی را در خوانسار آغاز کرد و مدتی با آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری (مرجع تقلید مشهور) هم‌مباحثه بود. وی سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف و کربلا رفت و از محضر علمای برجسته آن دوران بهره برد. شهرت اصلی او به دلیل اقامه نماز جمعه است که این فریضه را در دورانی که متروک مانده بود، احیا کرد و به‌عنوان مؤسس و اولین اقامه‌کننده آن در دوره معاصر شناخته می‌شود. عمده آثار باقی‌مانده از وی، استنساخ و رونویسی کتب مهم فقهی و روایی است که نشان از اهتمام او به حفظ میراث علمی دارد؛ از جمله آثار استنساخ‌شده توسط او می‌توان به «صلاة جمعة»، اثر شهید ثانی و ترجمه «بدل‌الالین» اثر کتعی اشاره کرد. وی سرانجام در ۶ فروردین ۱۳۵۰ پس از سال‌ها تلاش و خدمت به دیار باقی شتافت. در پی ارتحال ایشان بازار خوانسار چهل‌روز تعطیل شد. همچنین آیات نظام گلباگانی، شریعتمداری و نجفی مرعنی در قم و سیداحمد خوانساری در تهران، مجالس با عظمتی به یادبود این عالم ربّانی برگزار نمودند.

۲. مانند، آیه ۵۴؛

۳. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۸؛

۴. إرشاد القلوب، جلد۲، صفحه۴۳۱؛

۵. هفته‌نامه «افق حوزه» مراتب قدرانی صمیمانه خود را از جناب آقای مهتدس سید محمد شهاب‌الدین غضنفری خوانساری (نوه مکرم آن عالم فقید و فرزند آیت‌الله سیدهادی غضنفری) اعلام می‌دارد؛ ایشان را در اختیارگذاشتن اسناد و اجازه‌نامه‌های ارزشمند خود، نقش مؤثری در ارتقای سطح علمی و غنای محتوایی این‌گفت‌وگو داشتند.



به سبک مرسوم نمی‌نویسید؟ فرمودند: «تنها «قال و قيل» ننویس؛ از «حال» بنویس!»؛ یعنی حقیقت دینداری در پیوند قلبی با حضرت صاحب‌الزمان و طهارت باطن است.

- بخش پنجم: خدمات گسترده اجتماعی، تأسیس مساجد و هیئات مذهبی و تسهیل ازدواج**

سیره ما همواره بر این بوده است که روحانیت پناهگاه مشکلات عینی و اجتماعی مردم باشد:

- تأسیس مساجد و هیئات: علاوه بر فعالیت‌های تبلیغی، توفیق تأسیس چندین مسجد در قم، تهران، خوانسار و جنت‌آباد حاصل شد. همچنین چندین هیئت مذهبی در شهرستان‌های قم، تهران، خوانسار و روستاهای اطراف بنیان‌گذاری گردید تا مجالس تعظیم شاعران و مولاید و عزاداری آل‌الله همواره باشکوه اقامه شود.

- خدمات عمرانی و بهداشتی: مرحوم پدرم در دوران طاغوت شخصاً برای احداث حمام‌های بهداشتی و مدارس در مناطق محروم پیگیری‌های میدانی و اداری می‌کردند. - تسهیل ازدواج: ایشان بر ازدواج آسان و پرهیز از مهریه‌های سنگین تأکید داشتند؛ خواهران من در سنین نوجوانی با حداقل مهریه و در کمال سادگی به خانه بخت رفتند تا سنتی حسنه در جامعه پایه‌گذاری شود.

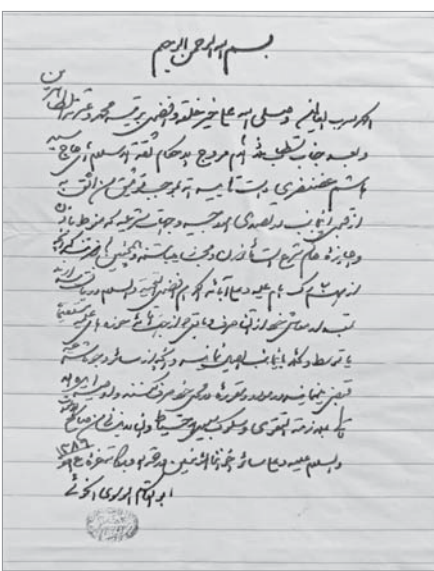
- بخش ششم: کمک ۹ هزار تومانی به آوارگان فلسطین (سال ۱۳۴۶)**

در سال ۱۳۴۶ (پس از جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل)، مراجع معظم تقلید به‌ویژه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، بیانیه‌هایی در حمایت از آوارگان مظلوم فلسطین صادر فرمودند. مرحوم پدرم حسابی در بانک صادرات مبلغ افتتاح کردند و با پایمردی و استقامت مردم، توانستند مبلغ هشتاد ۴ هزار تومان را از خوانسار جمع‌آوری کنند؛ درحالی‌که کل کمک‌های جمع‌شده در شهر قم حدود ۱۲ هزار تومان بود! با این وجه، حدود ۳۰۰۰ تخته پتو و اقلام ضروری خریداری و مستقیماً برای آوارگان فلسطینی ارسال گردید.

- بخش هفتم: شهادت ۱۱ تن از خاندان و پرهیز از مناصب دنیایی**

بیت ما پیوند عمیقی با انقلاب و دفاع مقدس دارد و ۱۱ تن از فرزندان و جوانان رشید این دودمان به فیض شهادت نائل آمدند. (شخصیت‌های دانشمندی همچون دانشمند هسته‌ای شهید دکتر محسن فخری‌زاده نیز پرورش‌یافته همین مکتب و مجالس بودند).

در اوایل پیروزی انقلاب، پیشنهاد تصدی یک مسئولیت مهم سیاسی و اجرایی به بنده داده شد. وقتی موضوع را با آیت‌الله بهاء‌الدینی در میان گذاشتم، ایشان با دلسوزی پدانه فرمودند: «چون پاره‌تن من هستی، می‌گویم این کار را نکن! وارد این



ماندگار مرحوم والد ما بود. ایشان از سال ۱۳۱۰ هجری شمسی – در اوج دوران خفقان رضاخانی و دورانی که این فریضه بزرگ الهی در سراسر کشور کاملاً مهجور و فراموش شده بود – با اجتهاد و استنباط فقهی خویش، اقامه آن را در عصر غیبت واجب عینی با تعیینی دانسته و سنگر نماز جمعه را در خوانسار پایه‌گذاری فرمودند.

وقتی ایشان شجاعانه اقامه جمعه را آغاز کردند، با مخالفت‌ها، ناآگاهی‌ها و حتی تکفیر و طعنه‌های برخی مواجه شدند؛ تا جایی که حتی از حوزه‌های دیگر طعنه می‌زدند که فلانی بدعت نهاده است؛ اما پدرم انسانی مخلص، شجاع و متقی بود و در راه تکلیف الهی از سرزنش هیچ ملامت‌گری باک نداشت: «يُخَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لُؤْمَةً لِلَّهِ»

ایشان ده‌ها این عَلم را برافراشته نگه داشتند. پس از ارتحال والد معظم، بنده به همراه برادر ارشدم، مرحوم آیت‌الله حاج سیدمهدی غضنفری، اقامه نماز جمعه خوانسار را استمرار بخشیدیم تا این سنت حسنه تعطیل نشود؛ تا آنکه پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، نخستین نماز جمعه رسمی نظام به امامت آیت‌الله طالقانی در دانشگاه تهران اقامه شد و این فریضه سراسر میهن اسلامی را فراگرفت.

- بخش چهارم: مکارم اخلاقی، زهد و خلوص بندگی (راز برکت در زندگی علما)**

تجربه همیشینی با بزرگان سلف به ما آموخت که رمز نفوذ کلام روحانیت در ساده‌زیستی، تقوا و پرهیز کامل از حب جاه و مقام است:

۱. تقوا، زهد و بی‌پیرایگی: اولیای خدا به باطن دنیا می‌نگزند و از مطامع فانی گریزاند. خانه ساده پدری ما گواهی بر این حقیقت بود که زهد حقیقی در سبک زندگی عملی متبلور می‌شود. ۲. اخلاص و گریز از شهرت‌طلبی: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (قصص/۸۳). حب مقام و شهرت ریشه در غفلت دارد. اگر تمام اعمال علمی، اجتماعی و تبلیغی خالصاً لوجه‌الله و برای رضایت امام زمان نباشد، هیأه منتوراً خواهد بود.

۳. تواضع و فروتنی: بر اساس فرمایش امام صادق : «إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَيْنِ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ»؛ تواضع موجب رفعت معنوی انسان است.

۴. احتیاط در دین و حسن معاشرت: امیرالمؤمنین خطاب به کمیل فرمود: «أَحُولُ دِينِكَ، فَاحْتَظْ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ». همچنین فرمودند: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم عالم دینی را صددرصد پاک، مهربان و اهل عمل می‌خواهند.

زمانی از پدرم پرسیدم: چرا کتاب فقهی مستقلی

www.ofoghhawzah.ir

از حجره‌های قم تا محراب جمعه خوانسار

روایت‌هایی از فقاقت، تهذیب و خدمت

مشروح گفت‌وگوی منتشرن‌شده هفته‌نامه «افق حوزه» با عالم پارسا

آیت‌الله سید محمدهاشم غضنفری خوانساری

اشاره: رحلت فقیه پارسا و بقیه‌السلف علمای خوانسار، آیت‌الله حاج سید محمدهاشم غضنفری خوانساری، در واپسین روزهای ماه صفر ۱۴۴۶ هجری قمری (مطابق با ۱۲ شهریورماه ۱۴۰۳ خورشیدی)، حوزه‌های علمیه و ارادتمندان به بیت فقاقت و تقوا را در اندوهی عمیق فرو برد. آن عالم وارسته، یادگاری گران‌سنگ از دودمان علم و فضیلت و فرزند مجتهد احیار نماز جمعه در دوران معاصر، آیت‌الله سیدمیرزا محمدتقی موسوی غضنفری به‌شمار می‌رفت.

معظم‌له که از اسوه‌های تقوا، زهد، اخلاص و غیرت دینی بود، عمر پربرکت خویش را در ترویج شریعت، احیای موارث اهل‌بیت و خدمات گسترده اجتماعی سپری کرد. در پی این ضایعه، شخصیت‌های برجسته حوزوی، آیات: علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور و آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، با صدور پیام‌های جداگانه، این فقدان را تسلیت گفتند.

آنچه در ادامه می‌آید، متن گفت‌وگوی جامع و تفصیلی است که در زمان حیات پربرکت ایشان انجام شده و اینک به پاسداشت یاد و خاطره ایشان، به‌همراه اسناد و خاطرات مکتوبشان بازخوانی و منتشر می‌گردد.

- بخش اول: زادگاه، ورود به حوزه علمیه قم، اساتید و اجازات روایی**

• باتشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، مشتاق بودیم از سوابق علمی، نحوه ورود به حوزه علمیه قم و خاطرات حضرت‌عالی از علمای سلف بهره‌مند شویم. لطفاً از دوران آغازین طلبگی خود بفرمایید.

• من در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در شهر عالم‌پرور خوانسار متولد شدم و دوران کودکی را در بیت علم و فضیلت سپری کردم. مرحوم والد ما، آیت‌الله حاج میرزا محمدتقی غضنفری، نظارت و کنترل ماهرانه‌ای در تربیت بنده داشتند.

در سال ۱۳۳۲ شمسی (در سن ۱۴ سالگی) که با عشق فراوان قصد تشرّف به قم و ورود به حوزه علمیه را داشتم. دلهره عجیبی در بیت ما حاکم بود. پدرم که خود از علما و مجتهدان خوانسار بودند و کسانی که با روش، منش و تیزهوشی ایشان آشنایی داشتند، به عظمت نگاهشان واقف بودند، پس از فکر بسیار، تشرّف و تحصیل مرا مشروط به نظارت و هدایت استاد بزرگوار، آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی حاج‌شریفی خوانساری نمودند؛ ایشان از موقعیت والا و جامعیت کم‌نظیری در حوزه قم برخوردار بودند و والد بزرگوارم ایشان را به‌عنوان «مرئی» بنده برگزیدند.

جالب است بدانید مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن‌الرضا نیز دقیقاً همین سفارش، مراقبت و نظارت را برای فرزندشان، مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا مهدی ابن‌الرضا، به آیت‌الله حاج‌شریفی کرده بودند. استاد حاج‌شریفی حجروای در مدرسه مبارکه خان برای من مهیا کردند که چند ماه قبل از آن نیز برای هم‌مباحثه و برادر عزیزم، مرحوم آقای حاج‌آقا مهدی ابن‌الرضا، ترتیب داده بودند. این اولین حُسن انتخاب و تدبیر حکیمانه حاج شیخ برای ما بود. هم‌حجره دیگر ما، همشیره‌زاده‌ام، آقای حاج شیخ اسماعیل غضنفری بود. ما هر سه نفر از شاگردان مرحوم آقای حاج‌شریفی بودیم و با هدایت و درایت استاد، در درس و بحث با جدیت به سبقت در خیرات و رقابت علمی می‌پرداختیم.

در همان ایام، دو استاد برجسته ادبیات و نحو در حوزه شهرت داشتند: یکی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ ابوالقاسم نحوی (متوفای ۱۳۸۶) و دیگری مرحوم حاج شیخ محمدرضا آدینه‌وند (۱۳۹۳–۱۳۰۸ ش). آقای آدینه‌وند که خود شاگرد مرحوم حاج‌شریفی بود، مورد رجوع استاد قرار گرفت. مرحوم حاج‌شریفی به ایشان فرمودند: «ما طلبه‌ای همشهری به‌نام آقامهدی ابن‌الرضا داریم، به ایشان درس ادبیات بدهید.» آقای آدینه‌وند گفت: «وقت من پر است؛ اما به شاگردم اکبر هاشمی رفسنجانی می‌سپارم که به ایشان ادبیات تدریس کند» و مرحوم آقای ابن‌الرضا ادبیات را نزد آقای هاشمی رفسنجانی خواندند.

در سطوح عالی و درس خارج، توفیق یافتم حدود سهسال در درس خارج فقه و اصول زعیم عالی‌قدر جهان تشیع، آیت‌الله‌العظمی بروجردی شرکت کنم و تقریرات مباحث ایشان را بنگارم. همچنین از محضر بزرگانی چون حضرت امام خمینی، آیت‌الله‌العظمی حکیم و آیت‌الله‌العظمی سیدمحمود شاه‌وردی بهره بردم.

علاوه بر این، مورد وثوق مراجع عظام تقلید نجف اشرف، قم و مشهد مقدس قرار گرفتم و از آن بزرگان اجازات کتبی و شفاهی اجتهاد، روایی و امور حسبیه دریافت نمودم؛ از جمله مرجع بزرگوار جهان تشیع، آیت‌الله‌العظمی حاج سیدمحسن حکیم، بنده را به‌صورت کتبی به‌عنوان «وکیل مطلق و تام‌الاختیار» خود در خطه خوانسار منصوب فرمودند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.

همچنین پس از تشرّف به حج بیت‌الله الحرام و عتبات عالیات در سال ۱۳۸۳ قمری، از سوی عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج سیدمهدی کاظمینی خوانساری (شاگرد علامه آیت‌الله حاج سیدابوتراب خوانساری نجفی)، اجازه‌نامه مبسوط روایی و حسبیه دریافت داشتم و تمام طرق روایی مشایخ اعلام نجف اشرف را به این‌جانب متصل‌کردند.